

ان اریکم فی ایام دهرکم نفحات الا فمعرضوها
ثم الرساله بحمد الله و حسن توفيقه)

دکتر روزن میگوید: چنانچه از قسمت

اخیر بیانات خیام مستفاد میشود وی بمشرب
تصوف بیشتر متمایل بوده است با آنکه
دائرة المعارف بریتانیا نیز میگوید بعضی رباعیات
او آمیخته با تصوف میباشد ولی اگر رباعیات
را دلیل فلسفی خیام قرار دهیم باید تصدیق
کنیم تصوف را در افکار خیام راه نیست و این
فلسوف با آنکه از روش عرفا و تصوف آگاه و
داشته زیر نفوذ آنها نبوده است و صفت خاص
فلسفی او آزاد بودن است و باینکه روزن
تصور کرده بسط کلام دلیل تمایل او باین
قسمت است در مجموع بیانات او این تمایل
دیده نمیشود .

۹ - زیج ملکشاهی که خیام یکی از مؤلفین آن بوده .

راجع بتعمیر خیام و اینکه در تعمیر
گرگوار دقیق تر است چون این موضوع از
مسائل نجومی ر محتاج تحقیقاتی است که از
حوصله چنین مختصری بیرون است از بحث در
این موضوع فعلا خود داری میکنیم .

باب سوم (رباعیات سیار)

قبل از اینکه نظری بسائر تحقیقات
پرفسور برون بیندازیم خوب است بموضوع
رباعیات گردنده نظری بیفکنیم :
این عبارت « رباعیات گردنده یا سیار »
را بطوریکه دکتر فردریک روزن و پرفسور
برون و همچنین کریستن سن و سایر
مستشرقین عالی مقام صراحة اظهار داشته اند
برای اولین دفعه زوکوفسکی استعمال کرده و
مرادش آن دسته از رباعیات خیام است که بعد
از تبع و استقصا در اغلب دواوین شعرای

بزرگ آنها را بعینه یا با کمترین تحریف و
تصحیفی یافته‌اند و با این وصف بطور قطع نمی
توان معلوم کرد این رباعیات از کیست و چون
در تمام دواوین گردش میکند این اسم را که
چندان بی مناسبت هم نیست با آنها داده است
راجع بتعداد این رباعیات پرفسور برون میگوید
رباعیاتی که با تشخیص زو کوفسکی از رباعیات
گردنده معین شده از هشتاد و دو رباعی کمتر
نیست، و در ذیل آن مهمترین اشخاصی که
رباعیات در دواوین آنها یافت شده نام میبرد
و در ذیل آن میگوید: با مختصر توجهی بر
تعداد اینگونه رباعیات میتوان افزود چنانچه
با صرف چند دقیقه وقت پرفسور برون یافته
است که رباعیاتی که ویستن فلید تحت شماره
(۱۴۳ و ۱۸۷) و نیکولاس تحت شماره

(۱۱۶ و ۱۸۲) بعمر نسبت داده شده و همچنین رباعیاتی را که زوکوفسکی تحت شماره ۲۶ ر ۲۸ بناصر الدین و طالب طوسی آملی منسوب دانسته در کتب تاریخ (گزیده مؤلف در ۱۳۳۰ ب. م) به سراج الدین قمری و عزالدین نسبت داده شده است ولی چون در رباعیات مزبور کمال مباهت در معانی مطالب موجود است نمیتوان آنها را ریخته قریحه يك شاعر دانست :

پرفور برون در اینجا اشاره بیک جدول که بوسیله رده برای تطبیق اینگونه رباعیات تنظیم شده، مینماید و بعد رأی خود را بدین ترتیب اظهار میکند : وقتی مسلم شد خیام رباعیات زیادی سروده خیلی مشکل است جز در بعضی حالات استثنائی بتوان بطور قطع حکم

کرد فلان رباعی بخصوص که بوی منسوب است
از قریحه وی تراوش کرده است ، فعلا جدول
روس در دسترس نگارنده نیست ولی جدولی که
دکتر فردریک ووزن ترتیب داده موجود است
بنقل آن بهادرت میشود :

فهرست رباعیات گردنده دکتر ووزن

شماره	شماره	شماره	شماره	
نسخه	نسخه	نسخه	نسخه	
حاضر نیکولا نیفیلد بودلژن	منسوب الیه			
۲	۸	۷	۵	شبیخ عطار
۳	۱۰	۹	۴	نجم الدین رازی
۹	۷۰	۷۳	۴	حافظ
۱۰	۳۸	۴۲	۱۹	نصیر الدین طوسی
۱۳	۶۹	۷۲	۴	حافظ

نصیرالدین طوسی	«	۷۸	۷۶	۱۶
حافظ	«	۵۲	۴۹	۴۹
خواجہ عبداللہ انصاری	«	۹۱	۸۹	۵۸
«	«	۹۳	۹۱	۶۶
نجم الدین رازی	«	۶۲	۵۹	۷۳
ابن سینا	«	۱۶۵	۱۳۰	۱۰۰
نجم الدین رازی	«	۱۶۴	۱۴۱	۱۰۸
انوری	«	۱۶۶	۱۴۳	۱۱۳
ملای رومی ہمتی بلخی	«	۱۴۷	۱۴۶	۱۱۸
مجدالدین ہمکر	«	۱۸۳	۱۶۵	۱۳۰
«	«	۱۸۵	۱۶۸	۱۳۷
(طالب آملی) سراج	۷۰	۱۹۷	۱۸۲	۱۴۱
الدین قمری				
مغربی تبریزی جلال الدین	«	۱۹۹	۱۸۴	۱۴۳
رومی عبداللہ انصاری	«	۱۴۲	۱۱۳	۱۴۶

فخرالدین رازی

شاهی عاکفی	۴	۲۴۳	۱۹۹	۱۵۴
حافظ	۴	۲۴۶	۲۰۲	۱۵۷
انصاری، عطار، محمد حسنخان	۴	۲۶۴	۲۲۵	۱۷۱
نعمت اللہ کرمانی	۴	۲۶۵	۱۲۶	۱۷۳
کمال اسمعیل	۹۹	۲۶۹	۲۳۵	۱۷۵
حافظ	۱	۲۶۸	۲۲۹	۱۷۶
جلال الدین رومی	۴	۲۷۷	۲۳۸	۱۸۰
اثیر الدین	۴	۲۰۶	۳۶۳	۲۰۳
شیخ فریدالدین عطار	۴	۳۱۷	۱۷۲	۲۱۲
حافظ	۹	۲۳۰	۲۹۰	۲۲۰
سیف الدین باخرزی	۴	۲۳۲	۲۹۶	۲۲۷
ابوسعید انوری				
ابوالحسن خرقانی		۲۸۹	۴	۲۳
شاه صحیحان		۳۷۶	۳۳۷	۲۵۰

حافظ	۳۹۲	۳۵۰	۲۵۷
«	۳۹۵	۶۵۳	۲۵۸
حافظ ، افضل کاشی	۱۳۰	۲۹۳	۳۵۱
حافظ	۱۲۹	۳۹۰	۲۴۸
«	۱۳۵	۴۱۴	۳۷۰
حافظ	«	۴۳۰	۳۸۷
حافظ	»	«	۴۳۸
حافظ	۱۷۵	۴۹۰	۴۵۰
حافظ	«	۴۶۳	۴۲۶

این رباعی گردنده در فهرست زو کوفسکی

وجود ندارد و آن را آقای پرفسور فریدریک

روزن در مجمع الفصحاح جزء اشعار ابوالحسن

خرقونی پیدا کرده ، ما اطلاع داده است .

دکتر روزن در ذیل جدول میگوید :

از روی جدول فوق باید معین نمود که

آیا این همه رباعیات در شعرای قبل از ۷۹۱
یافت میشود یا خیر ؟

و بدیهی است که در این تدقیق نسخ
خطی و قدیم از آثار شعرا را بایستی مأخذ
قرار داد زیرا که رباعیات گردنده از خارج به
دیوانهای شعرای دیگر نیز راه یافته است ، مثلاً
در يك دیوان خطی - فقط که در سال ۱۰۴۹
هجری نوشته شده است چند رباعی دیده‌ام که
در متن ما نیز موجود است و چون حافظ در
سنه ۷۹۱ وفات کرده پس قاعده نسخه ما باید
پس از این تاریخ باشد ولی اگر به نسخ قدیمتر
و صحیحتر دیوان حافظ رجوع کنیم این
رباعیات را نخواهیم دید .

بعد از آن داخل موضوع قدمت نسخه

کتاب میشود که فعلاً بآن کاری نداریم ، غرض

این بود که معلوم شود رباعیات گردنده که
ورد زبان مستشرقین شده چیست و این کلمه
از کجا پیدا شده است ؟

(مأخذ دیگر پرفسور برون)

پرفسور برون بعد از از اشاره به مأخذ
زو کوفسکی نامی از اباب الالباب محمد عومی
(اوائل قرن سیزدهم م) و دولتشاه میبرد و
پس از آن نظر نجم الدین رازی صاحب مرصاد
العباد مؤلف ۱۲۲۳ را راجع به خیام نقل میکند
و میگوید رازی نظر خوبی به خیام نداشته است
و آنکاه از قول القفطی در تاریخ الحکماء خیام
را قهرمان میدان فلسفه و علوم یونانی معرفی
مینماید بعد از آن ترتیب از تزهة الارواح و
روضه الافراح شهر زوری و آثار البلاد قزوینی
بطور خلاصه نقل میکند در اینموقع اخلاق

خیام را اینگونه که تا اواخر قرن ۹ تصور
میکرده اند مورد دقت قرار میدهد و میگوید
تا این زمان عمر خیام را اساساً بک فیلسوف
منجم و ریاضی دان میدانستند و او را از عوالم
تصوف دور مینداشتند نجم الدین رازی صوفی
خیام را قطب احرار زمان خود در میدان
فکر معرفی میکند، در صورتی که القفطی
میگوید متصوفه بظواهر کلماتش که شبیه به
بیانات آنها است فریب خورده و او را از خود
شمرده اند، از آن پس جامع الثوار ببع رشیدالدین
فضل الله همدانی را که از مهمترین منابع قابل
اعتماد برای تاریخ مغول میباشد نام میبرد و
میگوید: با آنکه این کتاب قسمتی در تاریخ
عمومی بحث نموده و بعلاوه بزرگترین تاریخ
مغول میباشد متأسفانه راجع بطبع و نشر آن

اقدامی نشده است و آنگاه میگوید :
حکایت معروف (همدرس بودن خواجه
نظام‌الملک و حسن صباح و خیام را) برای
اولین دفعه در این کتاب می‌یابیم ولی بطوریکه
ملاحظه میشود پرفسور برون این کتاب را
اولین مأخذ این حکایت می‌شمارد و میگوید (۱)
و همین حکایت است که با تغییر و تبدیلاتی
سایرین مثل صاحب تاریخ گزیده و دولتشاه
و سایر نویسندگان نقل کرده‌اند .

مأخذ دیگر که پرفسور برون میگوید
در نظر زوکوفسکی واجد اهمیت است فردوس

(۱) در فصل سابق داستان آمدن حسن صباح را

پیش نظام‌الملک و کامیاب شدن و فرار کردن بطرف
مصر نزد خلیفه فاطمی المستنصر و مراجعت کردن او را
بایران با داعیه جدید در فصل سابق شرح داده‌ایم

التواریخ میباشد که در ۶-۱۴۰۵ م تألیف شده در اینجا داستان وفات خیام همانگونه که شهر زوری در نزهة الارواح نقل میکند نگاشته است . آخرین مأخذ زو کوفسکی بطوری که پرفسور برون اظهار میکند تاریخ الفی است (۱) مطالبی که راجع به خیام نقل میکند با آنچه شهر زوری گفته چندان فرقی ندارد غیر از آنکه حکایت عجیب ذیل را در پایان بیانات خود متذکر میشود بطوریکه از کتاب های او

(۱) این کتاب را احمد بن اصرالله بنام اکبر شاه هندی تألیف کرده و چون وقایع از اول اسلام تا هزار سال بعدرا که مقارن زمان وی بوده برشته تحریر کشیده از اینرو آنرا بکتاب الفی نامیده است این کتاب در ۹۱-۹۲ تألیف شده و با آنکه در حقیقت وقایع تاریخی وی بزمان ۹۹۷ هجری ختم میشود آنرا الفی نام نهاده است .

مستفاد میشود وی (عمر خیام) معتقد باین مذهب
تناسخ بوده است .

میگویند در نیشابور مدرسه کهنه بود که
برای ترمیم و تعمیرش الاغها آجر در مدرسه
میاوردند . یکروز موقعیکه حکیم عمر با
چندین تن از شاگردانش در مدرسه قدم میزد
اتفاق افتاد الاغی از داخل شدت در مدرسه
امتناع داشت ! حکیم چون این بدید تبسمی
کرده و پیش رفت و این رباعی را بالبدیهه
انشاء فرمود :

ای رفته و باز آمده بلهم (۱) گشته
نامت ز میان مردمان کم گشته
ناخن همه جمع آمده و سم گشته

(۱) کلمه (بلهم) برای محققین و فضیای اروپائی
تولید زحمت نموده بود ولی با مراجعه بقرآن مطلب
معلوم میشود .

ریش ز عقب در آمده دم گشته
الاغ پس از استماع رباعی فوق وارد مدرسه
گردید ! چون علت آنرا از حکیم - مؤال کردند
چنین گفت :

روحی که فعلاً در جسد این الاغ حلول
کرده سابقاً در بدن یکی از خطبا و مدرسین
این مدرسه بوده و از آن جهت نمیخواست وارد
شود مبادا همکارانش او را بشناسند ولی چون
ملفت شد او را شناختند مجبوراً وارد گردید !
اینجا پروفیسور برون نظری اظهار میکنند
و میگویند : ممکن نیست تمام حکایات و مطالبی
که راجع به خیم اخیراً گفته اند یکی بعد از
دیگری بر شماریم چون بعضی از آنها
بطور وضوح برای آن بوجود آمده که
توضیحاتی برای بعضی رباعیات بدهد ، ولی چیزی

که مورد دقت است اینست که اشخاصی مثل
ابن خلیکان و ابن شاکر نامی از خیام نبرده‌اند
با آنکه ابن شاکر سعی کرده آنچه را سلف از
قلم انداخته‌اند در قوات الوفیات متذکر شود.

حاجی خلیفه نویسنده تذکره نویسی

بزرگ از خیام دو سه جا نام میبرد: یکجا

وقتی از علم جبر و مقابله سخن میراند، جای

دیگر موقعی که راجع باصلاح تقویم ملکه‌ها

صحبت میدارد، و در محل سوم در جزء سایر

مصنفین معاصروی که شاید هم بمحقق نمیدانسته

ذکری میکند.

در اینجا راجع بتاریخ وقایع خیام پرفسور

برون شرحی میگوید ولی چیزی اضافه بر آنچه

چهار مقاله گفته است اظهار نمیدارد ولی به

رباعیات هم چنانچه سابق اشاره شده و کریستن سن

هم در متن کتاب خود نگاشته است پروفیسور
برون نظر مثبتی اظهار نمیدارد. همچنین راجع
بتألیفات خیام غیر از جبر و مقابله و ترجمه
فرانسوی و يك نرح ما اشکل من صادرات
اقلیدس در اینجا ذکر از سایر کتب و تألیفات
وی نمی نماید؛ چنانچه از مطالعه بیانات پروفیسور
برون معلوم میشود این مستشرق متنبع به
مهمترین مأخذ و منابعی که در روشن کردن
ترجمه خیام مؤثر میدانسته مراجعه کرده و
چون راجع بر باعیات تحقیقاتش بجائی منتهی
نشده نظریه مثبتی اظهار نکرده است.

فصل پنجم

(تحقیقات انتقادی راجع بر باعیات اصلی خیام)

باب اول

تحقیق در رباعیات

تحقیقات کرستن سن دانمارکی راجع
بر باعیات خیام از ۱۸۹۷ م - یعنی از هنگامی
که زو کوفسکی رساله بنام (عمر و رباعیات
کردنده) انتشار داد شروع میشود.
این رساله را بهنگام عید تولد پروفیسور
بارون، ویکستور روزن، عنوان هدیه بنام
«المظفر به» بوی تقدیم داشته است.
در این رساله پروفیسور مزبور میگوید:

خیلی بعید است تمام رباعیاتی که بعمر خیام نسبت میدهند با آنکه دارای هدفها و منظورهای گوناگون است محصول دماغی يك نفر باشد و در آنجا ۸۲ رباعی (رباعیات سیار) شماره کرده که هم بحکیم عمر خیام و هم بدیگران آنها را نسبت داده‌اند.

این اقتراحى که بوسیلهٔ پرفورمزبور بعمل آمده در سنوات بعد مطرح بحث مستشرقین واقع شد و مخصوصاً پرفورمزبور ا. ج بروث و دکتر روس بیشتر در این موضوع بحث کردند ولى تنها باین نتیجه منفی رسیدند که در تمام متون موجوده و قدیمترین متن (بالدوین اورلی ۱۴) که در حدود ۳۵۰ سال بعد از وفات شاعر نگاشته آمده رباعیات اصلی و غیر اصلی مختلط شده و هیچکدام از وسایل خواه شیوه

انشاء رباعی خواه فحوای آنها باشد نمیتوانند ما
را بمقصد اساسی که تشخیص رباعیات اصلی عمر
از غیر اصلی است راهبری کنند .

در کتاب (تحقیقات بر روی رباعیات
عمر خیام) مراد کتابی است که مؤلف به
زبان فرانسه راجع باین موضوع نگاشته است ،
مسئله را مجدداً در معرض آزمایش و امتحان
قرار داده ام و هفت رباعی بر عده رباعیات سیار
افزوده ام تا تعداد اینگونه رباعیات صد و یک
رباعی بالغ شده است بر طبق تحقیقاتی که بعمل
آورده ام تمام یا لا اقل قسمت اعظم این رباعیات
سیار از قریحه عمر تراوش نکرده و نسخه نویسان
مایل بوده اند بر تعدادش بیفزایند بنا بر این هر
رباعی شیرین و جالب توجهی را از هرجا بدست
آورده اند بر آن افزوده اند .

تا آنجا که يك نسخه از کمبریج علامت
MS تاریخش از ایام اخیر است حاوی هشتصد
رباعی میباشد. تنها دوازده رباعی که نام شاعر
در آنها ذکر شده ممکن است رباعیات اصلی
باشد. اینگونه اشعار کمتر احتمال دارد از
رباعیات سیار باشد و این مقیاس تا درجه از
تغییرات اساسی جلوگیری بعمل میآورد ولی این
مقیاس هم نمیتواند مقیاس کافی و کاملی باشد
چون رباعی که به فضل لدین نسبت داده اند و
در مصرع اول میگوید:

(افضل دیدی که هرچه دیدی هیچ است)

و در رباعیات خیام با تغییرات ذیل دیده

می شود :

(دنیا دیدی و هرچه دیدی هیچ است)

نتیجه تبعی و تحقیق من این شد که ما

باید رباعیات عمر خیام را در تمام مظاهر گوناگون که دارد از لحاظ تعبیر قریحه ایرانی مورد مطالعه قرار دهیم، مسلم است که این يك شاهکار ملی است از قریحه حکیم عمر خیام تراوش کرده و سلهای بعد در زیر نفوذ معنوی آن قرار گرفته بطور محرمانه رباعیاتی بر آن افزوده اند ولی آن گویه که از دایره افکار حکیم خارج نشده است و این عمل نتیجه يك علاقه معنوی است که جز ظرافت طبع و تناسب روح آنها با فکر قریحه خیام سبب و دلیل دیگری نداشته است فقط از نظر متن هائی که در دست است شاعر را در لباس دیگری جلوه میدهد چون رباعیات زبیدی در تصوف و زهد و ورع در متن می جدید می بینیم و از طرف دیگر عده معدودی رباعیات عاشقانه و احساساتی می

بینیم که بطور کلی با طبیعت و قریحهٔ خیام سازش ندارد.

پروفسور برون در جلد دوم کتاب مهم خود (تاریخ ادبیات ایران) در امکان تفکیک رباعیات اصلی از الحاقی عمر خیام تردید میکند و میگوید : با آنکه مسلم است خیام رباعیات زیادی نسروده ولی بسیار مشکل است و حتی جز در بعضی حالات استثنائی در امکانش نیز تردید هست که بتوانیم هر یک از این رباعیاتی که منسوب به خیام است از وی بدانیم و بعبارة اخیری حکم قطعی ایجابی در این باب بدهیم (ص ۲۵۷).

و پروفسور نیکلسن میگوید :

در طی مرور زمان آنقدر بر عدهٔ رباعیات افزوده‌اند و تا آن درجهٔ چهرهٔ حقیقت را در

زیر غبارها مستور داشته اند که هرگاه خیام
زنده شود و آنرا ببیند برای تشخیص حقیقت
سرگردان و دچار حیرت خواهد گردید!
دکتر روزن که در ترجمه آلمانی
رباعیات باید مرهون زحمات وی باشیم در سال
۱۹۲۵ چاپ جدیدی از روی متن نسخه
خطی که خانمی آلمانی تقدیم عالم نموده است
میگوید: در این نسخه خطی ۳۲۹ رباعی
موجود است که بطرز حروف الفباء نبوده ولی
مؤلف آنرا خود ترتیب الفباء منظم کرده است
تاریخ نسخه مزبور ۷۲۱ هجری و مطابق
۱۳۲۱ میلادی است و هرگاه این تاریخ درست
باشد این نسخه بایستی یکصد و چهل سال شمسی
از نسخه بدین قدیمتر باشد اما کتاب و کاغذ
آن بطور وضوح نشان میدهد که تاریخ زماش